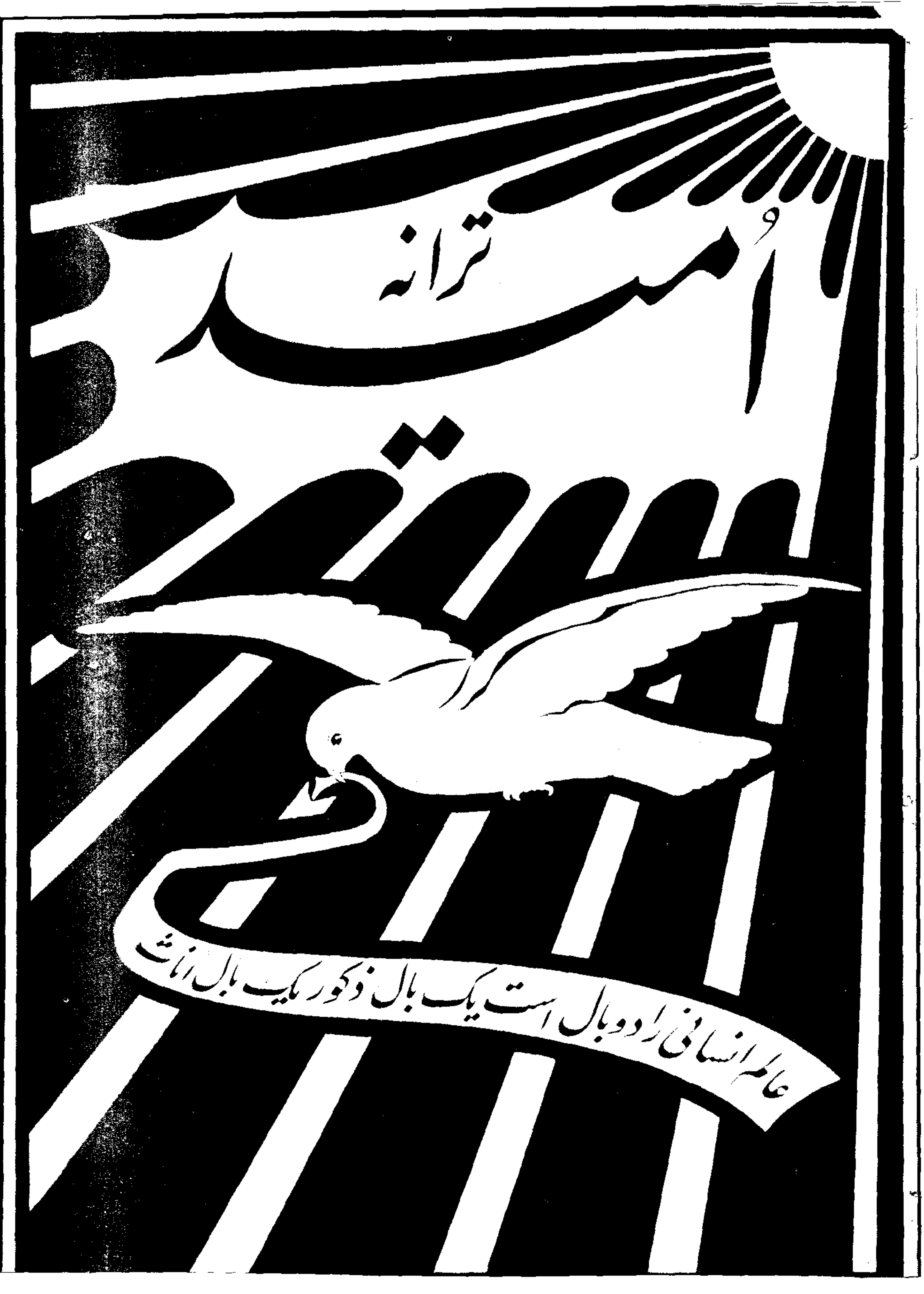

ترانه
امید
عالم انسانی را دو بال است یک بال ذکور یک بال اناث

" اجرای نقشه چهارساله اماء الرحمن ازلوازم ضروریه جامعه دراین ایام محسوب "
ازبیانات مقدسه حضرت ولی امرالله ارواحنافداه

ترانه امید

(نشریه لجنه ملی ترقی نسوان)

شماره پنجم - سال سوم	شهرالمسائل - شهرالشرف ۱۰۷	آذر - دی ۱۳۲۹

فهرست مندرجات :

۱- یکی از الواح مقدسه راجع باماء الرحمن
۲- قسمت تبلیغی
۳- یکی از دستخط های مبارکه حضرت ورقه علیا
۴- تاریخ حیات حضرت ورقه مبارکه علیا
۵- اشعار جناب ناطق
۶- اهمیت نقشه چهارساله اماء الرحمن وابلاغات لجنه ملی ترقی نسوان
۷- مختصری ازشرح حال ورقه منجذبه مشتعله امة الله جناب روحانی علیها بهاء الله
۸- مقالات ولوایح
۹- مسابقه
۱۰- اعلانات

یکی از الواح مقدسه راجع بامة الرحمن

بنام خداوند بیمانند الحمد لله از بدایع الطاف الهیه مائده روحانیه از سماء مشیت در کل حین نازل است ولکن طوبی از برای نفسی است که بآن فائز شد الیوم جمیع اعمال ومقامات منوط بعرفان حق و قبول اوست مثلا اگر الیوم کنیزی از کنیزان عالم بعرفان الله فائز شود واقرار بوحدانیت وفردانیت الهی نماید لدی الله اعظم واسبق است از جمیع ملکات عالم که بشرف ایمان فائز نگشته اند حسب عالی ونسب متعالی محبوب است ولکن در صورتیکه بمحبت الله مزین شود واگر باین مقام بلند اعلی فائز نشود لدی الله مذکور نبوده ونخواهد بود شکر کن مالک قدم راکه بمطلع امرش توجه نمودی وکوثر محبتش را آشامیدی این مقام را مثال بصر حفظ کن چه که او در جمیع عوالم باتو خواهد بود ودون آن اگر جمیع اسباب عالم باشد فانی ومعدوم خواهد شد ان اشکری ربك بهذا الفضل العظیم وقولی لك الحمد یا اله العالمین ومقصود افئدة المقربین

+ + + + + + + + +

قســـمت تبلیـــغی

استخراج از لوح مبارك ۱۹ دیسمبر ۱۹۲۳ بواسطه محفل مقدس روحانی طهران

احبــای ایــران

برادران وخواهران روحانی عالم بشر منتظر است وقلب حضرت عبد البهاء در ملکوت ابهی متمنی ومشتاق که بهائیان تعالیم حضرت بهاء الله را از حیز قول بحیز عمل رسانند این چه فرصت مبارکیست باید اقدام نمود وباب معاشرت ومراوده را باتمام ملل ونحل باز کرد ایام گوشه نشینی وسکوت وخموشی گذشته باید از زاویه خمول در آئیم ودر میدان وسیع قدم گذاریم ومباشرت بعمل نمائیم مقصود این نیست که حکمت را فراموش نمائیم وپرده دری نمائیم واز حد اعتدال خارج گردیم وبمخالفت اصول وقوانین ورسوم دولت وملت قیام کنیم حاشا که یاران الهی چنیـن نمایند بلکه مقصود اینست که باعمال وافعال تبلیغ امر حضرت بهاء الله نمائیم تبلیغ باعمال حکمت قبول ننماید وتقیید وتحدیدی نداند کل از وضیع وشریف وقدیم وجدید وپیر وجوان قابلیت وتوانائی پیمودن این سبیل را داشته ودارند پس عذری از برای احدی نماند ».

هر نفسی که خود را بشیم وحلل تقدیس وتقوی واخلاق مزین ندارد او بهائی حقیقی نه ولواینکه باین اسم موسوم وموصوف ومعروف .

واگر نفسی امی وجاهل واز تبلیغ بنطق وبیان قاصر باعمال وسلوك ورفتارش علت انتباه وتذکر واقبال یك نفس گردد البته مرجح ومحترمتر وعزیزتر وبهتر از شخصی است که سالهای سال به تبشیر وتبلیغ لفظـــی پرداخته وشهرت واهمیت یافته ولی مشرب واخلاقش مباین ومخالف کلام وقول او حسنات آن نفس عاقبت قلب نفوسی را بنور ایمان کاملا دائما منور خواهد ساخت ولی سیئات این شخص بالاخره سبب شود که تمام مواعظش فراموش گردد بلکه بالعکس نتیجه بخشد وتوجه وایمان مبدل بیاس وسستی وبیمیلی شود .

میل ورضا بلکه امر شدید حضرت عبد البهاء در اینست که بهائیان در جمیع امور حتی در جزئیات و معاملات یومیه وروابط افرادیا یکدیگر بحسب تعالیم الهی رفتار نمایند .

یکی از دستخط های حضرت ورقه مبارکه علیا

هوالمحبوب

بندگان آستان جمال اقدس ابهی و دوستان باوفای حضرت عبدالبهاء از ستایش وثنای آن یاران و ثبوت واستقامت ومحبت وانجذاب ووفای آن خادمان ملکوت الله زبان وبیان این فانیه حزینه عاجز وقاصر است از عنایات طلعت کبریا والطاف حضرت عبدالبهاء هریک الحمد لله چون ستاره درخشانند وچون بدر نورافشان ذات ابهی آن محبوب یکتا هریک از بندگان خویش را در این یوم عظیم سراجی روشن ومنیر فرمود و حضرت عبدالبهاء آن مقصود بیهمتا قلب هر فردی از ثابتین بر عهد وپیمان را چون گلزار وگلشن مزین با زهار و اوراد معرفت ویقین واطمینان نمود این مواهب موجب شکرانه است واین فضل واحسان مستلزم حمد وثنای رب یگانه هرچند اوراق مملو از کذب وافتراء وبهتان نفس بیوفا ارياح امتحانی بود که بر آن ارض مرور نمود ولی اشجار متینه محکمه ثابته را باکی نه وبنیان رزینه رصینه متقنه را باکی نیست زیرا روح قویه مبارکه حضرت عبدالبهاء وجودات طیبه خالصه را همواره حفظ وصیانت فرماید وحمایت وحراست نماید وچون جبال راسخه مقاومت عطا کند الحق سزاوار چنین بود که مجری داشتید وشایسته چنان که قیام فرمودید زیرا اول تأکید در الواح وصایا همانا حفظ وصیانت امرالله وخدمت کلمة الله الحمد لله که آن نفوس مقدسه منجذب به مشتعله بنار محبت الله موفق ومؤید بحفظ وحراست دین الله شدند کلمات مجعوله نفس بیوفا را ملاحظه فرمودید که مجرد منبعث از اغراض نفسانیه ومقاصد شخصیه وبیربط وبیمعنی وبیهوده است که اطفال مهد این دور مبارک بر بطلان وبی اساسی ووساوس خفیه آن مطلع وآگاه چه جای رجالیکه سرشت وجود شان بید فضل والطاف جمال مبارک عجین گشته واشجار نفوسشان بمیاه جود واعطاف رحمانیه سقایه وپرورش یافته البته اینگونه جواهر نورانیه که مشامشان از نفحات قدس صمدانیه همواره معطر وباز است رایحهٔ کریهه را ولو در قدر خفیف باشد از نسیم عنبر شمیم گلزار احدیه فوراً امتیاز دهند وکلام مغرض مغرور را ولو در قدر در لطافت الفاظ وحروف رقیقه باشد ودر قالب دوستی ودلسوزی وخیرخواهی ریخته شود از بیان صدق وراستی وخلوص وحق پرستی ووفاپروری تشخیص فرمایند بر اساس این است که چون غرض پیش آید ادراک وهوش بکلی زائل شود وسلطان عقل اسیر ومحکوم شیطان نفس وهوی گردد چنانکه مکرر تجربه شده واین بیان مبارک در الواح وصایا جامع معانی عظمی وسبب بیداری وانتباه است قوله الاحلی "البته هر مغروری که اراده فساد و تفریق نماید صراحة نمیگوید که غرض دارم لابد بوسائلی چند وبهانهٔ چون زر مغشوش تشبث نماید وسبب تفریق جمع اهل بها گردد" مقصد این است که الحمد لله صراط امر مستقیم وبنیان شریعة الله محکم وقویم مرجع اهل بهاء مرکز توجه اهل وفا مبین کتاب الله حضرت ولی امرالله غصن ممتاز شوقی افندی ربانی بنص قاطع واضح مبین منصوص ومتین وشریعة الله واحکام الله ومشاریع امریه وتعالیم مقدسه وتکالیف عمومیه کل کالشمس فی وسط النهار واضح وآشکار نه رمزی پنهان مانده ونه سری نهان شده نه جای تأویل وتوجیه مانده ونه محل تردید باقی گذاشته وقت تبلیغ وهنگام خدمت است وزمان اتحاد واتفاق ویگانگی وهمت از اعتاب مقدسه رحمانیه امیدواریم که کل موفق ومؤید گردیم بشارت صحت وسلامتی وجود مبارک حضرت ولی امرالله دائما میرسد ورجای کلی است که شب فراق بپایان آید وزمان هجران بزودی منقضی شود ووجود مبارک در نهایت

سرور و روحانیت ببقعه مبارکه مراجعت فرمایند
این فانیه وجمیع ورقات مبارکه احبای الهی و
اماء الرحمن را بتحیت ابدع ابهی اذکر و مکبریم و
علیکم البهاء الابهی   بهائیه

++++++

تاریخ حیات حضرت ورقه مبارکه علیا ارواحنا فداه

از ورلد ارد ر ـ دیسمبر ۱۹۴۶ بقلم دلا ـ سی ـ کوین لن .

ترجمه ـ جناب ایرج متحدین

حضرت ورقه مبارکه علیا

"یا ایتها الورقة المبارکة النوراء غنی وتغنی علی افنان دوحة البهاء هذه الکلمة العلیا انه لا اله الا هو رب الاخرة والاولی قد جعلناك من خیرة الاماء واعطیناك مقاما لدی الوجه الذی ما سبقته النساء کذلك فضلناك وقد مناك فضلا من لدن مالك العرش والثری"

آیات مبارکه فوق از قلم مقدس حضرت بهاءالله جل ذکره الاعلی خطاب بدختر نیك اختر ویبروفای خود بهائیه خانم نازل شده است .

حضرت ورقه مبارکه علیا خانمی است که مقامش در امر بهائی مانند مقام طاهره در ظهور حضرت اعلی وفاطمه زهرا در دور رسول خدا ومریم در عصر حضرت عیسی وآسیه دختر فرعون در دور حضرت موسی است وولی امر مقدس بهائی درباره ایشان در لوحی بیانی باین مضمون فرموده اند :

"این عنصر مقدس بیمانند در این ظهور بدیع منیع بعد از سه ذات مقدس مبشر وموسس ومبین امر مبارك ما فوق حروف حی وشهداء وایادی و مبلغین وبانیان نظم بدیع بهائی قرار دارد"

ما بهائیان مغرب زمین در زمان حال از حوادث زندگانی وخدمات گرانبهای آن حضرت اطلاع کافی نداریم وبغیر از مطالبی که در ۱۹ صفحه از صفحات جلد پنجم کتاب عالم بهائی بمناسبت صعود آن ورقه مبارکه علیا مسطور شده تقریبا چیز دیگری در دست نداریم واینمقدار قلیل از احوال حضرتش که در دست ماست با شرح مبسوطی که راجع بترجمه حیات حضرت طاهره در تاریخ نبیل زرندی مرقوم شده قابل مقایسه نیست .

بالاخره روزی شرح حال دقیق ومبسوط این خانم اهل بها بدست ما خواهد آمد وتاریخ دوره مشعشع جانبازی وفداکاری امر بدان مزین خواهد شد وبدین موضوع در لوح حضرت ولی امرالله که باَفتخار یاران غرب صادر شده اشاره گردیده است واز آنچه امروز در دست ماست ومورد استنباط است حضرتشان مظهر یك شخصیت بزرگ از لحاظ خدمت وفداکاری ونمونه یك قدوسیت عظیم در زندگی و بعد از حضرت عبد البهاء بهترین مثل اعلای امر مقدس بهائی وجامع جمیع کمالات انسانی است که خداوند آنرا در این ظهور برای ارتقای عالم بدرجه بلوغ مقرر ومقدر فرموده است . ما میدانیم که آنحضرت دو سال بعد از برادر بزرگوارش حضرت عبد البهاء در سنه ۱۸۴۶ میلادی در یکی از خانواده های مشهور ونجیب ایران متولد شده اند (ودر این سنه یعنی سال ۱۹۴۶ که این تاریخ نوشته میشود یکقرن از تولد مبارکش میگذرد) نام مادرشان آسیه خانم است که ایشان نیز در یکی از عائله های مشهور پرورش یافته اند ـ حضرت ورقه مبارکه علیا شش سال از حیات مبارك خود را در شوکت و عزتی که این دو خاندان بزرگ دارا بوده اند بسر برده وزندگی خوش وبا سعادتی را گذرانده اند

ما میتوانیم ایام کودکی ایشانرا درحالیکه در میان باغها وحدائق فرح انگیز والد ماجد شان در طهران وشمیران مشغول تفرج وتفریح بوده اند در مخیله خود مجسم ومصور سازیم .

ما میتوانیم ایشانرا درمیان آن عائله خوشبخت

وکامران با والده ماجده شان آسیه خانم که در
عنایت ومرحمت بیمانند ودرلطف وادب وخضوع
بی نظیر بوده اند وهمچنین پدر عالیمقامشان که
تمام اوقات آنحضرت صرف رسیدگی بحال فقرا و
مضطرین ومنزلشان محل پذیرائی میهمانان مختلف
که ازخوان عطایشان بهره مند بوده اند بنظرآوریم
وهمچنین برادر بزرگوارشان حضرت عبدالبهاء و
برادرکوچکترشان حضرت غصن الله الاطهر را در
کنارشان ببینیم •

این وضع سرورانگیز وفرح واطمینان خاطر و
راحت خیال وفراغت بال برای آن وجود بیهمال
مدت شش سال همچنان ادامه داشت تاآنکه یوم
اضطراب فرارسید ودرعرض ۲۴ ساعت این عائله
پرشوکت وجلال ثروت خود را ازدست داده یکباره
به فقرگرفتار شدند ودست غارتگران دیوسیرت آن
خانواده پرحشمت را اززینت وشوکت ظاهری
عاری ساخت •

تحمل این وضع برای یک طفل هوشیار و
حساس شش ساله ونازپرورده واقعا بسی صعب
ومشکل است وراستی این خود نوعی ازاعجاز است
که آن مصائب یعنی ابدا تاثیری درایشان ننموده
وشهامت وقدوسیت اورامحو ونابود نساخت
حضرت بهاءالله والدماجد حضرت ورقه مبارکه
علیا دراین هنگام بتائید ونصرت امرحضرت باب
مشغول بودند درحالیکه ندای جانفزای ظهور
روزعظیم الهی درسرتاسرایران منتشرگردیده ونار
الهی خرمن عناد وطغیان علمای شیعه ایران را بر
افروخته ولهیب آنرا بآسمان کشانده بود ودرنتیجه
شهادت های تاثرانگیزفکرجنون آمیزی بمغزیکی
ازپیروان حضرت باب روآورده واورا به انتقام و
قصدجان شاه وادارکرده وبعد ازاین قضیه
بغتة گردباد وحشت واضطراب پیروان حضرت
باب را فراگرفته وبیش ازهمه حضرت بهاءالله که
رتبه ومقام حضرتشان مانع ازآن بودکه ازنظر
اطرافیان شاه دراین قضیه دورمانند مورد ظلم قرار
گرفته وهیکل مطهرش درزندانی که شاید بدترین
زندانهای عالم بوده محبوس گردید • ودرمحلی
مرطوب ومتعفن وظلمانی وبدآب وهوا مقام گرفت و
عائله غارتزده وستمدیده بدون سرپرست ودر
حال اضطراب محاط بظلم ظالمین بجامانده و
همه جزیک دوتن ازخویشان ایشان راترک گفتند
وخدمه ونوکرهای منزل نیزتماما جزیک زن ومرد پی
کارخود گرفتند •

حضرت ورقه مبارکه علیا سالها بعدازاین
مصیبت جانگداز برای یک بهائی غربی شرح میدهند
که چگونه درآن ایام وحشت واضطراب اکثرشبها
والده شان وحضرت عبدالبهاء که درآنزمان
هنوزبیش ازهشت سال نداشتند ایشانرا درمنزل
بجانهاده وبرای کسب خبرازحال حضرت
بهاءالله بیرون میرفتند وایشان بایستی درمنزل
ساعتها منتظرمانده وبرادرکوچکترخویش حضرت
غصن الله الاطهر را درآغوش خود حفاظت نمایند و
بازحکایت نموده اند که دراین ساعات هنگامیکه
غفلتا صدای طبلی که ازگرفتاری ودستگیری بابیان
حکایت مینمود بگوششان میرسید تاچه حد نگران
میشدند ونمیدانستند که این علامت گرفتاری مادر
وبرادرایشان یا شخص دیگری است •

این بود مصائبی که بایستی یک طفل ششساله
تن بتحمل آن دهند بالاخره آن زندان وحشتناک
تمام شد وحضرت بهاءالله ازدست ظالمین سنگ
دل رهائی یافته بمنزل مراجعت فرمودند ولی خدا
داناست که چه تغییری درروضع وقیافه آنحضرت
درعرض این مدت حاصل شده بود •

واضح است مشاهدهٔ آثاری که زنجیرقره
کهر درگردن جمال قدم وکند وغل درپای مبارک
باقی نهاده وپاهای لطیف آن ذات مقدس را
بسختی آزرده بود درقلب حساس آن دختریک
اخترچه اثرات عمیقی بجای گذارد • قلب حساس

ورود شد. در مدت حیات ابداً راضی نشد، سخت‌ترین دشمنان خود را اندوهگین ومحزون مشاهده کند . . .

حضرت ولی امرالله ارواحنا لعنایاته الفداء شمه‌ئی از خدمات مهمه ای را که ایشان در عنفوان جوانی با مرقد س حضرت بهاءالله نموده اند چنین بیان میفرمایند : (ترجمه)

" وبعد احضرت ورقه علیا آن عضو جلیل القدر عائله مبارکه در عنفوان جوانی از طرف اب بزرگوارش مأمور باجرای وظایفی گردید که هیچیک از اقران وامثال او در این سن قادر ویا مایل باجرای آن نبودند وآن ورقه مبارکه این فرصت را غنیمت شمرده وظائف مرجوعه را بکمال شعف ایفا میفرمود "

این بود مختصری از حالات کودکی و عنفوان جوانی وبلوغ حضرت ورقه مبارکه علیا وبقیه ایام حضرتشان را نیز از آنچه ذکر شد میتوان استنباط نمود .

در تمام مدتیکه حضرت بهاءالله از ایران بعراق واز آنجا باسلامبول وادرنه سرگون وبالاخره بعکا واقع در سواحل فلسطین تبعید شدند عائله مبارکه وجمعی از پیروان باوفای آنحضرت که بهیچ وجه حاضر بمفارقت وجداشی از هیکل مبارک نبودند در معیت جمال قدم ومفتخر بمصاحبت اسم اعظم بودند .

این سرگونی در غایت شدت وزحمت معمول گردید زیرا قسمتی از این مسافرت طولانی در فصل زمستان وشدت سرما وغالباً از میان کوهها وراههای صعب العبور بود وآنها مجبور بودند پیاده ویا سوار بر اسب واحیاناً سوار بر هودج حرکت کنند و این هودجها هرچند وسیله راحتی نبود ولی در آن زمان بهترین وسائل سفر بشمار میرفت . غذا نیز قلیل وغالباً مسافرین در حالت جوع بسر میبردند .

بالاخره با ورود بعکا مصائب ومصاعب این قافله الهی بمنتهی درجه رسید چه که قلعه عکا زندان ومنفای مجرمین سیاسی عثمانی ودارای آب وهوای بسیار بد بود بطوریکه در بین اهالی آن حوالی شهرت داشت که اگر مرغی برفراز عکا پرواز نماید هلاک شده بزمین خواهد افتاد .

این گروه مظلومین بعد از ورود بسجن اعظم در یك اطاق کوچك اقامت نمودند واکثرشان از بدی آب وهوا وغذا اد بد وورود مریض وبستری شده و بقیه بپرستاری آنان پرداختند ودر این موقع فی الحقیقه مصائب وشدائد وارده بحد غایت رسیده بود . (۱)

بعد از مدتی این سختی ومحدودیت تا اندازه‌ئی تخفیف وتقلیل پذیرفت وحضرت بهاءالله اجازه یافتند از سربازخانه بخانه کوچکی انتقال یابند و چون حقیقت حالشان بر حاکم معلوم شد از شدت مراقبت کاست وایشان توانستند با بعضی از پیروان خود که مسافات بعیده طی نموده وغالباً پیاده برای زیارت مولای محبوب خود بعکا میشتافتند ملاقات فرمایند ــ ولی این وضع نیز مدت زیادی ادامه نیافت یعنی چون خبر این رفع شدت ومراقبت باسلامبول بسده خلافت عثمانی رسید فوراً حاکم دیگری بدانجا اعزام وثانیاً وضع سابق تجدید گردید . حضرت ورقه مبارکه علیا در این اوقات انیس ومونس پدر بزرگوار خود بودند بطوریکه هم تمشیت امور بیت مبارك وپذیرائی واردین و میهمانان را مینمودند وهم در مواقع بروز مشکلات

---

(۱) دو بیت ذیل بحضرت ورقه مبارکه علیا در بیان وضع عکا منسوبست :

در قلعه قاف عشق کاشانه ماست
در ساحل دریای بلا خانه ماست
گویند که گنج را بویرانه سپار
عکای خرابست که ویرانهٔ ماست

رجوع شود بجزوه شهر عکا اثر دانشمند جوان جناب روح الله مهرابخانی (مترجم)

خارجی ازبذل همت وصرف قوای روحانی وهمدردی
پدرعالیمقام خودداری نمیفرمودند — ودرعین
حال که درموارد بلا ومصیبت تحمل مشکلات شدیده
میفرمودند درمواقع آسایش ورفاه نیزباعث سرور و
مسرت خاطراطرافیان خویش بودند .

حضرت ولی امرالله ارواحنا لعنایاته الفداء
حق خدمت و علوهمت وبزرگواری ایشانرا درضمن
سطورذیل چنین ادامیفرمایند (ترجمه)

" موقعیکه آنحضرت دوره شباب را بمعیت
حضرت بهاءالله درسجن عکا میگذرانیدواز محبت
اب حنونش قلبی سرشارداشت سجایا وفضائلی از
آنحضرت بظهوررسید که معلوم گردید پس ازحضرت
عبدالبهاء درعائله مبارکه مظهراعلای محبت الهی
و عطوفت وشفقتی است که نظیرآن دربین بشرکمتر
دیده شده است ."

آنحضرت علائق دنیوی رابکلی ازصفحه قلب
وضمیربزدودوفکرازدواج را بخاطرراه نداد وبا عزمی
راسخ بمساعدت برادرش برخاسته کمال مساعدت و
خدمت را نسبت باونمودوایام حیات رادرسبیل امر
اب جلیلش مصروف داشت . درتمشیت امورمنزل
فی الحقیقه بیمانند بودودرتنظیم وترتیب مراوده
وتشرف نفوس بحضورپدروبرادربزرگوارش بذل همت
میفرمودودررفع حوائج یومیه حضرت بهاءالله همواره
میکوشید . دررفتاروکردارآیت محبت واحسان و
سخاوت بودوبراثرابرازاین صفات وسجایای حمیده
آنحضرت یکی ازمقدسترین طلعاتی است که بسا
دوران حیات حضرت بهاءالله وامرجلیلش ارتباط
وبستگی تام دارد "

درمدت حرکت ومسافرت حضرت عبدالبهاء
باروپا وامریکا که قبل ازجنگ بین المللی اول واقع
شده حضرت ورقه علیا تنها شخصی بودند که اداره
امورامری درارض اقدس بعهده ایشان قرارداشت
وهمچنین بعدازصعود حضرت عبدالبهاء علاوه
براینکه درغیاب حضرت ولی امرالله تصدی واداره
امورامری رابعهده داشتند تنهامایه تسلی
خاطروتشفی فؤاد مصیبت زده مولای رؤف ومهربان
که فرقت پرحرقت مرکزمیثاق وثقل فادح ولایت
عظمی ارکان وجوارح آن ذات مقدس راملتهب نموده
بود بودند . وسهمی راکه حضرت خانم دراین ایام
درمساعدت ولی مقدس امربهائی داشته اند در
ضمن عبارات ذیل که ازقلم حضرت ولی امرالله
صادرشده چنین جلوه نموده است (ترجمه)

" چگونه ممکن است قلم قاصراین عبد ازعهده
وصف ذات مقدسی که همواره ظهیرو غمخواررو
مهربان وباعث سروروانتعاش این قلب حزین بوده
برآیدومقام رفیعش رابستاید ومصائب وارده برآن
حضرت راتشریح وتبیین کند ویا الطاف بیکرانی که
ازاوان طفولیت نسبت باین عبد مبذول فرموده
احصانماید وشکرانه عنایات ومحبتهای موفوره اش
رابجاآرد "

چقدرطولانی بود ایام خدمت وتحمل مشقت ایشان
درسبیل الهی ؟ . درمدت هشتاد سال یعنی
ازسن شش سالگی که آن مصیبت وبلا برعائله مبارکه
وارد شدتاسال ۱۹۳۲ که حضرت ولی امرالله
خبرهشت اثرصعودورحلت جبرانناپذیر
حضرتش رابعالم بهائی اخبارفرمودند آنی آسایش
ورخاندیده ودمی بفراغت برنیاوردند .

حضرت ولی امرالله بعدازصعود آنحضرت در
ضمن الواح شتی باردیگربمقام آن ذات مقدس
اشاره نموده ودرلوحی چنین فرموده اند قوله عز
بیانه :

" یا ورقة العلیا اگردرهردمی صد دهان
گشایم ودرهردهان صد هزارزبان ناطق سازم از
عهده وصف وثنای سجایای رحمانیه ات التی ما
اطلع بها احد الا الله برنیایم ونمی ازیم مراحم و
محبت بی کرانترا تعبیروتقدیرنتوانم "

همچنین آنحضرت درسال ۱۹۳۸ درضمن
پیامی هزارپوند انگلیسی بنام حضرت ورقه مبارکه

علیا به بنای مشرق الاذکار امریکا عنایت فرموده بیان نمودند که نام آنحضرت برای همیشه در بنای این معبد جاویدان بوده و موجب تقدیس ابدی خواهد گردید .

این بود وقایعی از حیات آنحضرت که از آثار انگلیسی بدست ما آمده و یا از تاریخ حیات پر سانحه حضرت بهاءالله که آن ورقه مبارکه در غالب آن شرکت داشته اند استنباط میشود . حال خوبست توجهی باثرات ملاقات و زیارت حضرتش در نفوس وخصائص جمیله زندگی آن خانم اهل بها نمائیم .

در این همه مطالبی است که در لوح مبارک حضرت بهاءالله بافتخار ایشان نازل گردیده که از جمله میفرماید قوله تعالی :

(انها ورقت من هذا الاصل القدیم ظهرت باسمی وذاقت رضائی المقدس البدیع سقیناها مرة من فمی الاحلی واخری کوثری العزیز المنیع) و باز میفرماید قوله تعالی (قد جعلناك من خیرة الاماء واعطیناك مقاما لدی الوجه الذی ما سبقته النساء کذلك فضلناك وقد مناك فضلا من لدن مالك العرش والثری وما احلی حضورك لدی الوجه و نظری الیك و عنایتی الیك وفضلی علیك وذکری ایاك فی هذا اللوح الذی جعلناه آیة عنایتی لك فی السر والاجهار)

حضرت عبدالبهاء در لوحی خطاب بایشان چنین میفرماید قوله الاحلی :

(یا شقیقتی الشفیقة در شب و روز یاد تو مشغولم انی از خاطرم نمیروی فی الحقیقه بجهت خود ابداً متأسف ومتحسر نیستم ولی هر وقت ملاحظه صدمات شما را مینمایم بی اختیار اشك از چشم میریزد)

و در لوح دیگر که بافتخار ورقه مبارکه ضیائیه خانم نازل فرموده اند چنین میفرمایند قوله الاحلی :

(ای ضیاء در این سفر باید با دلی خرم و روح وریحانی محکم همدم حضرت شقیقه باشی شب و روز بذوق وبجوش وبخروش که سبب سرور قلب مبارکش گردی چه که در مدت حیات دمی نیاسود و در جمیع عمر آرام نگرفت چون پروانه حول شمع الهی پرواز مینمود جانی افروخته داشت ودلی از حرارت محبت الله سوخته) .

آیا با این حال کسی میتواند ادعا نماید که حق مطلب را درباره مقام وحال آن خانم نیك خصال ادا نموده است ؟ وآیا ممکن است با توجه ببیانات مبارکه فوق زنی را در عالم با حضرتش مقایسه نمود ؟

خواننده عزیز حال اگر مایلی بدانی که چرا این خانم در بین تمام همراهان و یاران مظهر کلی الهی بچنین مقامی اختصاص یافته وستاره اقبالش بدین لمعان وضیاء در آسمان امر بهاء درخشیده است نظری بسطور ذیل که بقلم یك بهائی امریکائی در جلد پنجم عالم بهائی مرقوم شده است فرما . این نویسنده کسی است که در اواخر ایام با ورقه مبارکه علیا آشنائی یافته وما بمقداری از عباراتش اشاره میکنیم :

(قوای خلاقه ای که حضرت خانم در بیت مبارك ظاهر فرموده وتعادلی که بین برازندگی وزیبائی و عملی بودن امور برقرار ساخته ورعایت سایر وسائلی که برای ارتباط قلوب بنحو هم آهنگی میفرمودند و تصمیمات عملی که بکار میبردند بسیار قابل دقت بود . ایشان در مدت حیات خود با وجود راست تصمیم هرگز اراده خویش را بدیگری تحمیل نمیکردند و ابداً مایل نبودند دیگران باجبار عقیده ایشان را عملی نمایند بلکه پیوسته رعایت ملاطفت وملایمت را میکردند .

هیچگاه کلامی آمرانه وبنحو دستور وفرمان از ایشان شنیده نمیشد بلکه اجرای هر کاری را با لبخندی شیرین خواستار میشدند بنحویکه همه با منتهای اشتیاق وتمایل قلبی اوامرشانرا اجرا مینمودند ... حضرت ورقه مبارکه علیا در مدت حیات جسم وروح خود را یکسان برای نفوس انفاق میفرمودند وهرگز از آنهائیکه مورد محبت و عنایت ایشان واقع میشدند متوقع پاداش نگردیدند .

حضرت خانم با مردم نوعی بملایمت وصمیمیت بسر

خورد میکردند که حس مسئولیت در مقابل خویشرا در آنها بیدار نسازند ومیکوشیدند که طرف مقابل حس احترامش در محضر ایشان برانگیخته نگردد . وبنحو عادی با حضرتش رفتار نماید . حتی ایشان وقتی کسی را تسلی میدادند نوازششان در نهایت ملایمت ورقت بود زیرا میدانستند که کسانیکه جراحتی در دل دارند وحس در روان دارند بقدری حساسند که اگر محبت وشفقت نیز قدری شدید باشد آنها را ناراحت خواهد ساخت فی الحقیقه ایشان مرهمی راکه بزخم دل مستمندان مینهادند با آرامی ودقت بکار برده ودیگر با دست خود بروی مرهم فشار نمیآوردند ... بیقین اگر کسی درصدد ظلم وستم بحضرت خانم برمیآمد ایشان بجای مقابله بمثل میکوشیدند اورا در عین همان ظلم و بیداد تسلی دهند و غمخواری نمایند زیراکه اولا محبتشان محدودیتی نداشت وثانیا در زیر این نقاب خشم و غضب اشخاص یک فلاکت وبیچارگی و عجز شدیدی مشاهده میکردند که باعث خشم و حسد گردیده است لذا آنهارا قابل تسلی ورعایت میدانستند ... حس سخاوت واحسان حضرت خانم کاملا طبیعی و فطری و عادی بود وحتی وقتی که کسی چیزی هدیه مینمودند از او متشکر نیز میشدند وصمیمانه تقدیر میکردند وتقریبا مثل این بود که برای ایشان عطا کردن ومورد عطا واقع شدن تفاوتی نداشت ...

خدمت بایشان که تنها وظیفه افراد بود بلکه بزرگترین سعادت برای آنان نیز محسوب میشد ولی ایشان در مقابل خدمات و عنایاتی که با نهایت لطف ومرحمت نسبت باشخاص مجری ومعمول داشته بودند عوض نخواستند ونگرفتند حتی در آخرین ساعات زندگانی خود کوچکترین کاری راکه انجامش را از اطرافیان میخواستند آنرا آهسته وبا خوشروئی ولبی پرخنده وتشکرآمیز تمنا میکردند چه نه مایل نبودند تا آخرین دقایق حیات گنجینه سرشار وفیض مدرار خداداده راکه در ضمن یک حیات طولانی پرتجربه افاضه داشته اند از ادامه بازدارند .

شعله مصائب وبلیاتی که بخرمن وجود آن حضرت افتاده وآنرا سراپا سوخته بود ابدا خاکستری مصرفی بجای نگذاشته بلکه حقیقت را درباره ایشان چنین باید گفت که بشعله مصائب حیات وجود خود را گداخته وتبدیل به زرنابی نمودند وآنرا در سبیل الهی ودوستان یکجا مصرف کردند ... ایشان نه از امتحانات الهیه و رزایای عظیمه روگردان بودند ونه مضطرب شده شتاب وکم حوصلگی میکردند بلکه در آن ورطه در کمال وقار وطمأنینه ورود نموده وبا همان آرامی و متانت از سوی دیگر بیرون میآمدند) انتهی

این بود چند گل خوشبو از بوستان پرگل وریحانی که هدیه دوستان گردید ومن تصور میکنم آنچه در وصف ایشان در سطور بالا بوسیله نویسنده فوق ذکر شده بزرگترین و عالیترین وصفی است که یک بشر توانسته است درباره بزرگترین شخصیتی بیان نماید .

مقاله را در اینجا بپایان رسانده وبذکر آنچه در اطلاع ما بود کفایت میکنیم وامیدواریم وقتی جزئیات حیات این خانم اهل بها چنانچه حضرت ولی امرالله وعده فرموده اند تشریح شده وتاریخ آنرا جهة تذکر آیندگان ثبت نماید ومقام حضرتشان راکه در عائله مبارکه نصیب کسی نگردیده آشکار سازد .

انتهی

* * * * * *

مبلغ شهیر امرالله جناب ناطق علیه بهاء الله مرثیه ئی در فاجعه صعود حضرت مبارکه ورقه علیا ارواحنا فداها سروده اند که اینک قسمتی از آن در این مقام درج میشود

زسدره جمله افنان وزمره اوراق   فسرده شد چو نهان گشت ورقه علیا
رسید حکم مساوات در رجال ونسا   از آن زمان که زوی شد کمال جلوه نما
جهان عفت کردید از نظر مستور   محیط عصمت رخ کرد در نقاب خفاء
برفت در گرانمایه زبحر وجود   که در زمانه خود بود تای بی همتا
از آنزمان که نهان گشت طلعت میثاق   بروزگار غیاب ولی امر خدا
چنان بامر بنان وبیان وی کردید   که لحن طلعت میثاق از او شدی انشاء
کجا زمانه نشان میدهد زنی که بعمر   همیشه بوده براه خدا غریق بلا
زمهد مهد شتا لحد فی سبیل الله   مدام بوده گرفتار رنج وجور وجفا
بخرد سالی سرگون شده بملک عراق   که بوده محنت آن لا تعد ولا تحصی
بنفی وحبس بمال قدم سهیم وشریک   بسجن وزحمت میثاق یار وهم آوا
چنین تحمل وصبر وسکون وحلم ووقار   چنین بصیرت وایمان ونور وعقل ونهی
برای آنکه بود طالب تحری حق   هم اوست آیت عظمی وحجت کبری
عجب نه گر همه عالم زملک تا ملکوت   زامر خلق شود همدم ضجیج وبکا
که قلب عالم امکان ولی امر الله   از این قضیه بود محترق زحزن وعنا
بر او که جای فسوس است وموسم اندوه   که شد بروضه رضوان وبارگاه لقا
از آن دریغ که او بود یادگار بزرگ   زوجه هیکل میثاق وطلعت ابهی
بسال سیصد وپنجاه ویک ربیع نخست   پرید طایر روحش بآشیان بهاء
زشمسی است هزار وسه صد فزون ده ویک   بروز بیست وچهارم زتیر شد بسماء
به سیم کلمات از بیان نه وهشتاد   برفت ورقه علیا بعالم بالا
هزار شکر که ظل عنایت ابدی   زغصن اقدس ممتاز هست برسرما
بس است ناطق از این ره نما سخن کوتاه   که چاره صبر وسکون است وهم رضا بقضا

×××××

اهمیت نقشه چهارساله وابلاغات لجنه ملی ترقی نسوان

ازمهلت مقرره نقشه چهارساله ترقی نسوان که موردعنایت والطاف فراوان مولای روٴف ومهربان حضرت ولی امرالله ارواحنالعواطفه الفدا واقع گشته وبنص صریح مبارك درپایان آن باید "مساوات حقوق طرفین درجمیع شئون چه روحانی وچه اداری ثابت ومدلل گردد" چند ماهی بیش باقی نمانده است ٠

اگرچه اخبار واطلاعات واصله اکثرا حاکی از اجرای مواد مصوبه نقشه چهارساله وحاوی مژده پیشرفت وترقی حضرات اماٴالرحمن عزیز ایران است ولی چون ممکن است دربرخی ازنقاط بعللی بعضی ازمواد نقشه کاملا اجرانشده ونواقص جزئی موجود باشد برای اینکه لجنه ملی ترقی نسوان ازجریان اجرای نقشه درکلیه نقاط کاملا مطلع بوده وبتواند بموقع دررفع نواقص احتمالی اقدام نماید :

۱ــ ازکلیه محافل مقدسه روحانیه مراکز قسمتهای امریه مستدعی است درصورتیکه جواب متحدالمال نمره ۳۵ این لجنه راکه حاوی سئوالات ۸ گانه بوده ومستقیما خطاب بآنمحافل مقدسه صادرگردیده ، تا بحال بلجنه ملی نفرستاده اند باسرع وقت مرقوم وباین لجنه ارسال فرمایند و اگرمتحدالمال مزبورعینا جهت تنظیم جواب به لجنه های مجلله ترقی نسوان ارجاع شده تاٴکید درتسریع جواب فرمایند ٠

۲ــ همچنین برای اجرای نقشه واتمام و انجام آن ازکلیه محافل مقدسه روحانیه شیدالله ارکانهم متمنی است مواد مندرجه درمتحدالمال نمره ۴۳۳۸/۱۱ محفل مقدس ملی بهائیان ایران شیدالله بنیانه رابانهایت اهتمام بموقع اجراگذارند ٠

۳ــ ازلجنه های مجلله ترقی نسوان نیز مستدعی است بنابه مدلول متحدالمال نمره ۱۸/۳۷۱۵ محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه خطاب بمحافل مقدسه روحانیه مراکزقسمتها وجوه اعانات اختصاصی حضرات اماٴالرحمن راهرچه زودتر بلجنه ملی ارسال دارند تا این لجنه بتواند قبل ازانقضای وقت وموعد مقرر ببعضی ازنقاطیکه جهت اکمال نقشه احتیاج بمعلم دارند رسیدگی نماید ٠

۴ــ ازمحافل مقدسه روحانیه مراکزقسمتهای امریه مستدعی است مدلول متحدالمال نمره ۱۷۱ این لجنه را بموقع اجراگذارده نوعی فرمایند که لااقل تاتاریخی که درمتحدالمال مزبورقید شده جدول ضمیمه آن تکمیل شده بلجنه ملی رسیده باشد ٠

ازفضل وموهبت مولای روٴف ومهربان امیدوارچنانیم که درپرتومساعدتها وراهنمائی های ذیقیمت محافل مقدسه روحانیه که همواره نسبت باجرای نقشه چهارساله ترقی نسوان مبذول داشته ومیدارند وسعی واهتمام لجنه های مجلله ترقی نسوان وکمك وهمکاری افراد احبای عزیزالهی حضرات اماٴالرحمن ایران مدارج باقیمانده راطی نموده عملا ثابت نمایند که استحقاق مساوات بارجال را "درجمیع شئون چه روحانی وچه اداری" دارند تا بعون وعنایت الهی وتاٴییدات متتابعه حضرت ناامتناهی دومین مشروع جامعه بهائیان ایران در سنین اولیه قرن ثانی دورمشعشع بهائی درکمال موفقیت اتمام وانجام پذیرد ولیس هذا من فضل مولانا الغفور ببعید ٠

++++++

مختصری از شرح حال امة الله جناب روحانی

بقلم : امة الله روحاخانم غنوی

امة المحترمه جناب روحانی علیها بهاء الله یکی از مشاهیر نساء عالم بهائی است نام مبارکش فاطمه بگم دختر جناب سلطان حسین بود که بسه مزاوجت جناب آقا محمد رضا که از بهائیان ثابت و مستقیم بشرویه بود درآمد از فرط اشتیاق وانجذاب وخلوص نیت وصفای قلب وروحانیتی که داشت از قلم معجز شیم حضرت بهاء الله جل ذکره الاعلی بلقب روحانی ملقب وباین اسم مشتهر گردید الواح بسیاری از لسان مشیت جمال قدم واسم اعظم جل و جلاله وحضرت عبد البهاء ارواحنا لرمسه الاطهر فداء بافتخارش نازل ومظهر عطوفت وعنایت بی نهایت گردید وبااینکه فقط جزئی سواد داشت در ظل تربیت امری دارای فضائل وکمالات صوری هم گردید ودر بشرویه ونقاط خراسان ویزد بتبلیغ وترغیب وتشویق نسوان پرداخت ومکاتیب بسیاری بعلماء وفضلاء مرقوم ومعرض طعن ولعن وایذاء واذیت واقع . باحصول اجازه باتفاق چند نفر از احبای خراسان بارض اقدس مشرف وبزیارت من طاف حوله الاسماء مفتخر وپس از یکسال توقف یعنی در سنه ۱۳۲۱ هجری قمری مراجعت مینماید بمحض ورود به بشرویه اهالی مطلع شده وعلاوه از تنفر ما فوق تصوریه بغض وعداوت اینان قیام نمودند وپس از سه یوم توقف بحکم ملای محل اخراج بلد گردید اینك بی مناسبت نیست که قسمتی از نامه جناب روحانی را که برای همین موضوع بمجتهد مزبور مرقوم فرموده اند در این مقام مندرج سازد وصورت آن نامه اینست :

" قد برز الكنز المخزون والرمز المصون وما هو المكنون خلف سرادق غيب حفيظ تالله يا ملاء العلماء قد ظهر المعلوم وجاء جمال القيوم على سحاب امر بديع قال اليه في ام الكتاب يا حسرة على العباد ما يأتيهم من رسول الا كانوا به يستهزؤن كم من دني اقبل الى الله وكم من ضعيف اعرض عما سواه كم من غافل دخل في مدينة الوصل وكم من جاهل شرب رحيق العلم والفضل فكروا في زمن المرسلين كم من قريب هو البعيد وكم من بعيد هو القريب هذا سنن الله من قبل ومن بعد تفكروا فيه ثم اذكروا يا ملاء العارفين قال عليه السلام العلم نور يقذفه الله في قلب من يشاء اما قرئتم الامر بيد الله يعز من يشاء ويذل من يشاء بيده الخير انه على كل شيئ قدير .

ای جناب فضائل مآب بهائیان اهل فساد نبوده ونیستند چرا از اقامت دو روزه یك زن مضطرب شده اید معدومه نیامده اینجا بماند کسیکه پنجاه سنه او زید در محلی باشد مخالف شریعت ومغایر حکمت از او دیده نشود حال او را بچه سبب عذر خواهید وبچه برهان نفی نمائید .

آفرین بردین وبرآئین تان مرحبا بردیده خود بینتان

باری گناه او اینست که بهائی شده مگر شما بشارت ظهور قائم ورجعت قیوم را نداریدکه ابدا تفحص امور ننمائید ان جائكم فاسق بنبأ فتبينوا گویا نخوانده اید واللهم انی استلك ببهائك الى آخره چه معنی دارد ولوتقول علينا بعض الاقاويل الى آخره را چه میگوئید در خصوص مذاهب مختلفه که هریك منتظر موعودی هستند چه جواب میدهید امریکه از شصت نگذشته جمیع امم را مضطرب نموده شرق وغرب عالم را بهیجان آورده خطه امریك و افریك را بهم زده سهل وسهو شمرده اید اگرندای حق نیست پس آواز کیست که از کل اشیاء بلند است دست تطاول دول وملل از دامنش کوتاه شده و اشعه انوارش فوق مهروماه خیمه وخرگاه زده گویا در قرآن ذکر لقاء نشده یا حجت حجج اولین آیات بینات نبوده ونه سمعی است که ندای منادی الى الله شنود ونه چشمی است که نفوذ کلمة الله مشاهده نماید لهم قلوب لا يفقهون بها شاهد حال اهل آمال است بیش از این گفتن دگر نبود صلاح

هرصلاح اندیش را باشد فلاح

از آن گذشته اهل بهاء باید بصلاح رؤسای زمان حرکت نمایند البته اگر رای جهان آرای آقایان بلد تبا شد معدومه آنی مأمور بماندن نبوده و نیست وحال آنکه چون وارد بسبزوار شده م نامه از مولای من رسید که باید عازم یزد شوی باز چون بسطون آمدم دستخط مبارک رسید که البته بسمت یزد مسافرت کن اگر عالم الغیب نبود وشما را نمی شناخت امر به یزد نمیفرمود دیگر معلوم است که از پیام شما مرام چیست ومفسدین بشرویه را مقصد چه محتاج بذکر نبوده ونیست انشاءالله بغتتا میرسد روحا

آنچه بعربی نوشته شد اگر بقواعد درست نیاید حسن اوست والسلام ٠

باری امة الله جناب روحانی پس از آنکه بامر حضرت عبد البهاء جل ثنائه عازم یزد ودر آنجا مقیم میگردند در وقایع مؤلمه یزد هم که بعد از سنه ۱۳۲۱ هجری قمری اتفاق افتاده شریک وسهیم وناظر آنوقایع بوده اند چنانچه اشعاری در این خصوص برشته نظم آورده اند ولی شرح حال وتاریخ حیات ومسافرت های ایشان بیش از این معلوم نیست صعود شان هم در یزد بوده ودر آنجا مدفون گردیده اند ٠ اشعار وغزلیات بسیاری در ستایش محبوب آفاق سروده اند که حکایت از عشق و ایمان آن ورقه منجذبه مینماید وجزوهٔ بخط خود شان موجود است که بعضی از آن اشعار در ضمن انجام کار روزانه (نخ ریسی وبرک بافی) برشته نظم آمده واز مفاد ومفهوم آن اشعار میتوان بمراتب خلوص نیت وانجذاب وصفای باطنی شان پی برد در علویت ایشان همین بس که از فم مطهر حضرت عبد البهاء ارواحنا فداه بفخر رجال مذکور ومراتب استقامت و عرفان ایشان ستوده شده چنانچه در سفرنامه جلد دوم صفحه ۳۳۸ مسطور است " با مدادهنگامیکه چای میل میفرمودند ذکر خدمات وخلوص بعضی از خدام آستان مقدس مینمودند و بیان مبارک منتهی بحکایت وذکر ایام حیات چند نفر اصحاب اول امر شد از جمله صدق وخلوص حضرت شیخ سلمان که حامل آثار الهیه وقاصد کوی جانان ودیار عاشقان بود وشرحی از استقامت و عرفان حرم حضرت ملا علی جان شهید علویه خانم و حضرت روحانی بشرویهٔ که در این کور اعظم این نساء فخر رجال بودند وحال قدرشان مجهول "

در خاتمه دو فقره لوح مبارکی که بافتخار مشار الیها از لسان مشیت جمال اقدس ابهی ویراعه مرکز میثاق عز نزول یافته زیب این اوراق میگردد تا شاهدی از کمالات آن روحانیه الهیه باشد ونیز یکقطعه اشعار که در ستایش محبوب ابهی سروده اند مندرج میگردد :

امـــــة الله روحانی علیها بهاءالله

بنام دوست دانا ای روحانی قلم اعلی شهادت میدهد که متتابعا ومتوالیا ذکرت لدی العرش مذکور وبعنایات الهی فائز بوده وخواهی بود چنانچه الواح عدیده از سماء رحمت رحمانیه مخصوص آن ورقه نازل وارسال شد لعمرالله هر کلمه آن محیی اموات ومظهر آیات بوده وهرحرفی از آن عند الله اعز از کل شیئی است ان اعرفی قدر هذ المقام الاعلی ان ربك لهوالمعطی الکریم در سبیل حق بسیار زحمت کشیدی هیچ امری نزد حق مستور نبوده ونخواهد بود وهیچ خدمتی ضایع نشده ونخواهد شد انما اجرك علی الذی خلقك ورزقك وایدك علی الاقبال الی وجهه المشرق المنیر طوبی لك بما سبقت اکثر الاماء فی عرفانك ان ربك لهوالعلیم الخبیر اماء آن ارض را از قبل این مظلوم تکبیر برسان انشاءالله جمیع بسبب آلاء فانیه از نعم باقیه محروم نمانند ودر کل احیان بذکر محبوب امکان مشغول باشند البهاء علیك و علیهن ٠

+ + + + + +

خ ٠ب ٠ امة الله ورقه منجذبه روحانی علیها بهاءالله الابهی

هوالابهی

ای ورقه منجذبه روحانیه چون بلبل گلشن

ملکوت اعلی بستایش جمال ابهی نطق بگشا وترتیل آیات توحید نما وچون ورقاء حدیقه وفا آغاز نغمه وآواز کن وتغرید بر شاخسار تفرید نما وقت آهنگ ملکوتیست وزمان بانگ عبودیت آستان مقدس حضرت ابهی است چرا ساکتی وصامت نعره بزن فریاد برآر نغمه بخوان زخمه باوتار زن آهنگ ستایش جمال قدم بلند کن و فریاد عبودیت عبد البهاء برآر جانها را زنده کن دلها را تر وتازه نما چشم ثابتان را روشن کن جان ناقضان را گلخن نما جمیع اماء را بشور وولوله آر وکل ورقات را بوجد وطرب انداز تا از الطاف جمال قدم بسرور وحبور آیند ومظهر الطاف مجلی طور گردند ع ع

+++++

روح جان عزم ارمغان دارد ای بهاء جان — بلبلت میل گلستان دارد ای بهاجان
در هوای تو روح شد طایر در فضای تو جان بود سایر — سیر طیر توصد جهان دارد ای بهاجان
از دمت زنده روح سبوحی ز تو قائم شد عرش بد وحی — ساکن کویت بس جنان دارد ای بهاجان
عاشق فانی محو دیدارست ذره سان نزد خود پدیدار است — جلوه ات جا نرا الا نشان دارد ای بهاجان

گرد لیلی هستم در دیار جان بیکس و خار و خاکسار اما — قلب در قلبت آشیان دارد ای بهاجان
روح بخشیدی اهل یزدان را روح دیگردم اهریمنا نرا — نی تو را فرقی این وآن دارد ای بهاجان
تا جهان گرد د جنت الابهی وجهها گرد د وجهة الاسنی — سود تو سبقت برزیان دارد ای بهاجان

چاره کار مستمندان کن فکری از بهر دردمندان کن — اسم غفارت رخ عیان دارد ای بهاجان
خبرت عشق تو زا منقل و عالی روح وجسم وجان فانی و باقی — جمله را سویت کشکشان دارد ای بهاجان

شمس لاهوتی بدر ناسوتی طلع یاقوتی وجه هاهوتی — کل بذکر تو حفظ جان دارد ای بهاجان
صور بهائی نور سبحانی سر رحمانی کنز غیبانی — کل ثنای تو برلسان دارد ای بهاجان
روح قدوسی حور فردوسی رب ناقوسی مطلع انسبی — کل فدایت جان رایگان دارد ای بهاجان
انبیاء مردند ز اشتیاق تو اولیاء رفتند از فراق تو — حسرتت پردل آسمان دارد ای بهاجان
قطره ظاهر کردی از بحرت دادها دارند خلق از بهر — وه چه قلزمها سرنهان دارد ای بهاجان
حق الطاف حق انصاف بگذر از جرم خلق اطراف — که آفتاب از تو یك نشان دارد ای بهاجان
فیض فیاضان فضل فضالان جود ذی جودان بذل بذالان — جذب جذابان از توجان دارد ای بهاجان
رحم برما کن ای انیس دل ای طبیب جان وی جلیس دل — که آتشت ما را جان فشان دارد ای بهاجان
عیدی یاران خرم ومهور است مقصد مفلس گنج مستور است — که او دو عالم را جاودان دارد ای بهاجان

لیله سیم زعهد رضوانیست شطر چشم جان مستان است
احتراق دل کسی بیان دارد ای بهاجان

مقالات ولوائح

١ــ استخراج ازمرقومات جناب احمد یزدانی

دربسیاری ازکنفرانسها وکالجها ویونیورسیته ها ومجامع مختلفه تساوی حقوق رجال ونساء را شرح داده ام ازجمله دریونیورسته علی گرد ودرکنفرانسیکه درکلاس تاریخ وسیاسیات واقع شد چند نفرهم ازمحصلات عالی رتبه که تحصیلات B. A. راتمام کرده یادرشرف اتمام بوده اند حضورداشتند ودرضمن نطق ازتساوی حقوق رجال ونساء بحث وتقدم تربیت وتعلیم دختران بر پسران شرح داده شد ولزوم شرکت نسوان درامور اجتماعی ومدنی عالم برای تحقق صلح عمومی خاطرنشان گردید واین تعالیم مقدسه بدیعه درروحیه آن خانمهای جوان تاثیرات خوبی بخشید بطوری که درهرد ونوبت پس ازختم نطق که مارا باطاق دیگرجهت پذیرائی بردند آن خانمها هم آمده نشستند وسئوالها کردند وخیلی محظوظ شدند چند نفرآنها ازخواتین مسلمان وبگی هند وبود بهمه آنها جزوه های امری داده شد وانها آدرس گرفتند که مکاتبه کنند وتحقیق نمایند دریونیورسته های لکناهو والله آباد وعلی گرهده زیادی از خانمهای جوان مشغول تحصیلات عالیه هستند بسیار با استعداد میباشند پس ازاستماع این نطق ها مثل این بود که واقعا روح جدیدی بآنها داده میشود ومیخواهند پروازکنند درشهرعلی گرآخرین ساعتی که میخواستیم حرکت کنیم خبرآوردند خانم مجلل وعالمی قصد ملاقات مارا دارد وسئوالاتی خواهد کرد پس ازچند دقیقه خانم مذکورآمد خانمی بود بسیارموقروباکمال تحصیلات متوسطه وعالیه راتمام کرده ومشغول تحصیل فلسفه بود سئوالاتی درباب الوهیت وکیفیت خلقت نمود بااینکه وقت نبود ومترجم کافی هم موجود نبود صحبت مفصلی باو شد وبدلائلی اثبات الوهیت گردید ازجمله دلائلی که ذکرشد یکی ترکیب تصادفی ولزوم ذاتی وارادی بود یکی دیگرآنکه شرح عالم وجود و اشیاء ازکرات تادرات داده شد که همه متحرک وهمه موثرومتاثرد ریکدیگروازیکدیگرهستند و بقاعده علمی حرکت بدون محرک نمیشود محرک این اشیاء وموجودات که همه یکدستگاه ویک ماشین عظیمی است کیست شک نیست که بدون محرک این حرکات کرات تادرات غیرممکن است و این موضوع خوب شرح داده شد دراین موقع آن خانم سئوال کرد آن محرک خود متحرک است یا ساکن دیدم واقعا این خانم چیزفهم وباصطلاحات ومطالب علمی وارد است گفتم اگرآن محرک خود متحرک باشد پس احتیاج بیک محرک دیگری دارد وبعلاوه درعلم تعریف حرکت رااینطور کرده اند که حرکت عبارت است ازخروج ازقوه به فعل بسمت کمال یا بزوال واین حرکت برای احتیاج است ومحرک اصلی عالم که علت العلل ممکنات است خالی ومقدس ازاحتیاج است وفعلیت محض است قوه نیست که احتیاج بخروج ازقوه بفعل برای ظهورکمال یا زوال داشته باشد پس ازاین توضیح قانع شد وتصدیق کرد وسئوال ازخلقت نمود جواب داده شد کیفیت خلقت برهیچکس وهیچ فیلسوف وحکیمی خواه ازقدما وخواه ازعلمای اخیره مکشوف نیست آنچه گفته اند فرض وتصور است وعالم خلقت بدایت ندارد یعنی اول زمانی ندارد وپایان وزوال هم نخواهد داشت منتهی اشیاء وموجودات تغییرصورت میدهند ترکیبها تحلیل ومجددا ترکیب بصورت دیگرمیشود البته مفصلا برای اوشرح داده شد بسیارقانع شد و اظهارامتنان زیاد کرد ومعلوم شد این خانم خواهر بزرگتریکی ازخانمهائی است که دریونیورسیته ملاقات کرده بودم وایشانرا تشویق بملاقات بنده نموده بود وبسیاراظهارتاسف نمود که دیرخبر شده والا این چند روزه میامدم باری یکجلد کتاب بهاءالله وعصرجدید انگلیسی باو داده شد

و اسم و آدرس او را هم گرفته بمحفل مقدس روحانی ملی هندوستان دادم که با او مکاتبه نمایند ... در سفر دومی که بشهر آگرا کردم در این خصوص بحث موثری بمیان آمد یکی در کالج مسلمین موسوم به شعبه محمدیه که جمعیت زیادی از محصلین و استادان آنها بودند چون شنیدم مدارس دخترانه مسلمین محدود و هیچ مردی را راه نمیدهند گفتم چگونه است که دختران مسلمین شهرهای لکناهو والله آباد و علی گرد در مدارس عالی با پسران باهم تحصیل میکنند ولی در آگرا برخلاف آنجاها است و حال آنکه بعقیده ما تربیت و تعلیم دختران ضروری تر از پسران است زیرا آنها مادر میشوند و ابناء زمانه را می پرورند و این حجاب باعث محرومیت آنها است در این موقع اهتزاز عجیبی بین محصلین روی داد و مدتی کف میزدند که با اصرار و اشارات کارکنان کالج ساکت و خاموش شدند و بعد هم ناطقین دیگر که برای ابراز تقدیر و امتنان قیام کردند همه تصدیق کردند و گفتند امیدواریم من بعد در آگرا هم مثل سایر شهرها دختران مسلمان مانند پسران تعلیم و تربیت یابند .

یکی دیگر در دارالمعلمات عالی ریال باغ آگرا که برای هفتاد نفر دختران جوان تحصیل کرده با حضور رؤسا و استادان آنها صحبت مفصلی شد و اختصاصات این قرن عظیم و دور کریم بیان و تأخر زن را در ادوار گذشته بواسطه عدم تعلیم و تربیت شرح داده شد و در ضمن بیان تعالیم امر مبارک تعلیم تساوی حقوق رجال و نساء بود بقدریکه مجلس مقتضی بود از جنبه روحانی و اخلاقی و علمی بیان شد چندین مرتبه در بین نطق خانمهای محصله کف زدنهای ممتدی نمودند و بسیار ابراز احساسات و اهتزاز کردند مخصوصا نکات لازمه از قبیل ترقی و تعالی نسوان و وجوب اشتراک آنان در امور و شئون عمومی عالم انسانی برای تحقق صلح و جلوگیری از جنگ شرح داده شد و تفاوتهای جسمانی وزن و قد و مغز و قلب و خون که هریک بچه قسم جبران میشود و در نتیجه عملا و اخلاقا و روحا تفاوتی بین زن و مرد نیست بیان و شرایط و لوازم این ترقی که اخلاق و عفت و پاکدامنی است نیز توضیح داده شد و بعد از نطق هم رئیس مدرسه بنهایت ابراز تقدیر و تمجید و موافقت نمود و تقاضای راهنمائیهای بیشتر و کتب امری کرد و فقط بطور شوخی گفت ما با تمام موضوعات نطق شما کاملا موافقیم الا اینکه برچند نفر مردی که حضور داشتند شنیدن این تعالیم مربوط بنسوان سخت و دشوار بود یکی از محصلات هم با کمال اهتزاز و ادب ایستاده و اظهار ممنونیت فوق العاده نمود و جزوه های امری بین زنان توزیع گردید و اتفاقا در شهر آگرا مترجم این بنده هم امة الله شیرین خانم بهمن مهربانی بود که ترجمه ایشان هم بر تأثیر این تعالیم میافزود در این کالج پذیرائی کاملی هم از ما نمودند ولی باید دانست که تمام این محصلات از هنود بودند نه مسلمان . در مدرسه دیگر پس از خاتمه کنفرانس دختران محصلات بدور ما جمع شده با کمال میل و اشتیاق میگفتند که ما میل داریم حقیقة ترقی کنیم ولی نمیدانیم چه بکنیم لذا توضیحاتی داده شد و جزوه های امری بآنان تسلیم گردید بحمد لله البهی الابهی که در این شهرها و کالجها و کنفرانس های بزرگ همه جا تأییدات الهیه شامل بود معلوم است دعای دوستان بآستان مبارک موثر واقع شده والا این ذره حقیر بیمقدار را که استحقاق و استطاعتی نیست .

++++++++

امتیازات دین بهائی بر سایر ادیان

بقلم : امة الله باهره خانم ژوبین

پرتو هستی بخش خورشید را نگاه کنید و بنگرید چگونه جان میبخشد و حیات در موجودات میدمد و با وجود و نور خود دنیائی را به شور و نشاط و زندگانی میاورد آنوقت آیا با نور ستارگان دیگر که از فراز آسمانها برما نظاره میکنند قیاس نمائید آیا باز هم

باید امتیازات آنرا برای این مورد گفتگو قرار داد یا بمصداق آنراکه عیان است چه حاجت به بیان است مسکوت گذشت. دین مقدس بهائی همچنان امتیازات واضح و روشنی برسایر ادیان دارد که اظهر من الشمس است و حاجتی بگفتگو و بحث در موارد آن ندارد ولی برای آنکه بیخبران هشیار شوند و هشیاران بیشتر بر امتیازات مشخصه دین بهائی برسایر ادیان توجه نمایند این است که در اینجا بطور خلاصه در باره پاره از امتیازات این آئین مقدس بحث مینمائیم

برخلاف آنچه در بعضی از ادیان گذشته نظر به مقتضیات زمان معمول بوده و ایمان را بزور و تحمیل و یا تقلید از دیگران در وجود افراد بوجود میآورند در دین مقدس بهائی اولین قدم برای نزدیک شدن بمقصود و شناسائی جمال معبود تحری حقیقت است اینجا تحمیل و فشار و تهدید یا تقلیدی در کار نیست هرکس اعم از زن و مرد وقتیکه بسن بلوغ رسید بایستی خود بنفسه تحقیق کند و با قلبی مشتاق و دلی آرزومند و فکری فعال در جستجوی حقیقت برآید.

تا بحال فقط مؤمنین به شریعتی باهم برادر و برابر بوده اند چنانکه در قرآن کریم خداوند متعال فرموده است "انما المؤمنون اخوه" ولی در این دور مقدس این مژده روح پرور و نغمه جانفزا بگوش عالمیان رسید که "ای اهل عالم سراپرده یگانگی بلند شده بچشم بیگانگان یکدیگر را مبینید همه بار یکدارید و برگ یکشاخسار"

یکی از تعالیم مبارکه تاسیس محکمه بین المللی کبری است در این محکمه که پس از پیدایش بیت العدل بوجود خواهد آمد مسائل گوناگون ملل مختلفه که بر محور اختلافات و کشمکشها دور میزند حل و فسخ خواهد شد ایجاد لسان عمومی نیز کمک و پیشرفت زیادی برفع اختلافات بین ملل خواهد بود زیرا به تجربه ثابت شده که منشاء بیشتر اختلافات و کدورت ها سوء تفاهماتی است که از پی نبردن بمقصود یکدیگر حاصل میشود والبته با دانستن زبانی که همه آنرا بفهمند و درک نمایند دیگر موردی برای بوجود آمدن این اختلافات باقی نخواهد ماند.

دیگر از امتیازات دین مقدس بهائی برسایر ادیان که خصوصا برای ما اماء الرحمن قابل توجه و دقت است شناسائی حق نساء و تساوی حقوق آنان با رجال است شاید ما که در ظل تعالیم مبارک پرورش یافته ایم چندان متوجه اهمیت این موضوع نباشیم ولی چه خوب است بتاریخ گذشته نظر افکنده و ببینیم که زن در ادوار مختلفه چه رنجها کشیده و با چه مصیبتها دست بگریبان بوده گاه در داشتن روح انسانی او شک میکردند و زمانی وجودش را ننگ جامعه بشریت دانسته و بانواع وسائل ممکنه سعی در از بین بردن او مینمودند بطور خلاصه زن در این مدت موجودی ضعیف و بی ارزش بشمار میرفت نه حقی برای او قائل بودند و نه ارزشی بوجودش میدادند ولی جمال مبارک جل ثنائه او را از استفاده از کلیه حقوق و مزایا برخوردار و روح رنجدیده و ناامیدش را با الطاف خداوندی امیدوار فرمودند حضرت عبدالبهاء روحی لرمسه الاطهر الفداء میفرمایند "در نزد خدا زن و مردی نیست هرکس قلبش روشنتر است نزد خدا مقرب تر است و هرکس ایمانش بیشتر است نزد خدا مقبول تر"

در ادوار گذشته علم و دین باهم مطابقت نداشت و غالبا اختلافات شدیدی بین طبقه روحانیون و دانشمندان و فلاسفه هر عصر موجود بود هر اختراع تازه باعث غوغای جدیدی در میان مؤمنین بدیانت و هر کشف بدیعی منجر به کشمکشهای شدیدی بین علماء و کاشفین آن میشد ولی دین مقدس بهائی علم و دین را باهم منطبق مینماید و دینی را که برپایه و اصول علمی قرار نگرفته قابل بحث و تحقیق نمیداند و این موضوع مهم رافع اختلافات و باعث توسعه روزافزون اکتشافات است از آنجاکه اس اساس سیئات نادانی و جهالت است هر فرد بهائی موظف و مکلف است که اطفال خود را علم و دانش آموزد و از هیچگونه

کوشش ومساعدت درباره فراگرفتن علم وهنرمضایقه ننماید واگرخود بعلتی نتوانست این وظیفه خطیر را رعهده گیرد بایستی انجام آنرا بتشکیلات واگذارنماید تا اطفال ازخرمن علم ومعرفت خوشه برگیرند وفردی مفید و عنصری لایق برای جامعه مترقی بشمرشوند . حضرت عبدالبهاء روحی له الفداء فرموده اند " اطفالرا ازسن شیرخوارگی از ثدی تربیت پرورش دهید ودرمهد فضائل پرورید ودرآغوش موهبت نشوونما بخشید ازهرعلم مفیدی بهره مند نمائید وازهرصنایع بدیع نصیب بخشید پرهمت نمائید ومتحمل مشقت کنید اقدام درامور مهمه بیاموزید وتشویق بتحصیل امورمفیده نمائید"

وقتیکه دراصول ومبانی ادیان گذشته دقت کنیم می بینیم که بیشتربه مباحث اخلاقی واحکام توجه شده وبنا برمقتضیات وقت بمسائل اقتصادی که مشکلترین مسئله زندگی است چندان توجهی نشده درحالیکه موجد اینهمه جنگهای خونین وکشتارهای عظیم درتاریخ همان مشکلات اقتصادی بوده است دین مقدس بهائی بادستورات بسیار دقیق این مسئله راکه درنظرعلمای اقتصاد و خبرگان فن فوق العاده غامض ودشوار است حل مینماید وبا تحولات وتغییراتی که باپیروی ازاین طریقه جدید ازطبقه زارع یعنی ازطبقه مولد ثروت بوجود میآید بهبودی کامل دروضع اقتصادیات حاصل میشود .

دراین دیانت مؤمنین وپیروان جمال اقدس ابهی بایستی ازهرگونه تعصبات برکناربا شند خود را بمناسبت کثرت مال وثروت اختلاف آب و خاک ویا نژاد وملیت ازدیگران ممتازنشمارند افق فکرخویشرا توسعه داده ومحبت خود را بیدریغ نصیب آشنا وبیگانه نمایند دنیا را موطن خود وجمیع عالم را هموطنان خویش دانند امتیازیکی را بردیگری بجهت فضائل وصفات حسنه اودانند نه برای نژاد وملیت او" حضرت ولی امرالله ارواحنافداه میفرمایند " اهل بهاء ازتعصبات درکنارند ومصالح حقیقیه نوع بشررا ناظرومتمسك عالم بینند نه خود بین مفتون حقیقتند وازحمیت جاهلیه فارغ وآزاد "

نظم بدیع یکی دیگرازامتیازات بزرگ دین بهائی برسایرادیان است ودرراس آن موضوع مهم ولایت امرواقع شده است درادیان گذشته هیچیك از انبیاء بطورصریح جانشین خودرا انتخاب نفرموده بودند وبااین جهت پس ازصعودشان اختلافاتیکه منجربایجاد دودستگی ونفاق درمیان پیروان آن آئین میگردید بوجود میآمد ولی جمال مبارك با نهایت صراحت مرکزعهد ومرجع پیروان خودرا معین فرموده وهرشخص بهائی راموظف به پیروی ازدستورات حضرت عبدالبهاء فرمودند بااینطریق راه هرگونه دودستگی ونفاق راسد فرمودند وهمچنین حضرت عبدالبهاء درالواح وصایا موضوع ولایت امرراکاملا روشن فرموده وحضرت ولی امرالله ارواحناله الفداء را بولایت امرالهی معین فرمودند . دیگرتشکیلات وسیع وجامع بهائی است که باانتخاب نمودن محافل محلی وملی درهرسرزمین ومملکتی جمیع مسائل وامور آنجا باتوسیله اداره میگردد وبعدها هم با تشکیل بیت العدل اعظم مسائل مهمه ملل مختلفه وهمچنین دستوراتی که بنا بمقتضیات زمان تغییرپذیر میگردد به جزاحکام منصوصه درآنجامورد بحث قرارگرفته ودستورات واوامری که مناسب بهره وری زمان باشد صادر خواهد گردید .

دراینجا باید متذکرشد که اگربخواهیم دقیقا بشرح وتوضیح یکایك امتیازاتی که این دین مبین بر سایرادیان دارد بپردازیم شاید هفته ها سپری شود وعاقبت باسعدی همزبان شده بگوئیم

مجلس تمام گشت وبآخررسید عمر
ما همچنان دراول وصف تو مانده ایم

بنابراین فقط بطوراجمال درباره چند قسمت ازآنها شرحی داده شد ولی نکته ئیراکه باید بخاطرآوریم اینست که اینپیکرتجدیدیده بشریت محتاج به

طبیبی حاذق و نیازمند بداروئی مؤثر است تا این دردمندش را شفا بخشد و بر زخمهای جانگدازش مرهمی نهد و آنهم فقط در صورت پیروی و اطاعت صرف از دستورات و تعالیم مبارکه میسر میگردد ما که باین موهبت عظمی نائل شده و موفق بشناسائی شمس حقیقت شده ایم باید با رفتار خود کوشش در بهبود حال جامعه نمائیم و با اعمال شایسته خویش این پیکر رنجدیده را از رنج و الم رهائی بخشیم حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه میفرمایند "عالم کون پژمرده و پریشان محتاج این روح الهی است که در نفوس احبای الهی ودیعه گذاشته و در عروق و شریان بهائیان الیوم نباض است ماکه باین نام و صفت موسوم و موصوفیم باید کل همت عظیم مبذول داریم و قدم را ثابت نمائیم تا در رفتار و کردار در داخل و خارج در جزئیات و کلیات این روح مکنون الهی را دیده مرمود عالم مشاهده نماید و این جهان تاریک از روش و سلوک تلامذه حضرت عبدالبهاء نور الهی را یابد و از چاه ضلالت رهائی یافته و بأوج سعادت حقیقیه داخل گردد"

++++++

تاریخچه حقوق نسوان

(بقیه از شماره قبل)

بقلم : جناب عبدالحسین بشیرالهی

حقوق نسوان در جامعه ملل سابق — با اینکه در جامعه ملل سابق بانوان سهم مختصری بعهده داشتند و در بعضی شعبات و دوایر آن مشغول کار بودند معذلك اصل تساوی زن و مرد و اشتراك در عموم کارها که تا حدی در پیمان جامعه ملل هم پیش بینی شده بود کاملا بموقع عمل در نیامد و تنها هشت کشور بودند که زنان را احیانا بعنوان رئیس هیئت نمایندگی بجامعه ملل فرستادند و بیست و نه کشور در میان هیئت نمایندگی خود از بانوان اعضائی داشتند که بیشتر بکارهای اختصاصی و مشورتی از قبیل نمایندگی در کمیته حمایت اطفال و جوانان و کمیسیون بین المللی معاضدت فکری و معنوی و کمیته حفظ الصحه و غیر آن منصوب کرده بودند در دارالانشاء جامعه ملل فقط سه نفر از بانوان موفق شدند شغل رئیس دائره و رئیس اداره را بدست آورند با اینحال جامعه ملل سابق در دوازدهمین دوره اجلاسیه خود اظهار داشت که بانوان باید بیشتر در مشاغل عمومی گماشته شوند و از دولتهای عضو درخواست کرده که موضوع تابعیت زن و تبعیت از شوهر را مورد مطالعه قرار داده نظر خود را در جلسه آینده مجمع عمومی تقدیم نمایند.

چنانکه در فوق ملاحظه شد تا این تاریخ مسئله حقوق و وضع زنان از همه جهت حتی در جامعه ملل مورد دقت و تعمق قرار نگرفت و تنها در سال ۱۹۳۵ در دوره اجلاسیه شانزدهم جامعه ملل بود که کشورهای امریکای لاتین و کمیته ارتباط تشکیلات بین المللی نسوان رسما تقاضا نمودند این مسئله در دستور مذاکرات مجمع عمومی جامعه ملل ثبت گردد و جامعه ملل هم از کشورهای عضو درخواست کرده رأی و نظر خود را در این خصوص اعلام نمایند و ضمنا از تشکیلات بین المللی نسوان نیز خواسته شد نظر خود را درباره حقوق مدنی و سیاسی نسوان پس از مطالعات لازم مرقوم دارند و در نتیجه سی و هشت کشور جواب خود را فرستادند و از هشت تشکیلات بین المللی نسوان نیز اسناد و مدارك دقیقی رسید که اولین قسمت آن شامل اطلاعاتی درباره تساوی حقوق و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن نسوان در مؤسسات محلی و انجمنهای ملی و حق اختیار مسکن و احراز مقام قیمومت صغار و حق کار کردن و اداره اموال شخصی و استفاده از عواید و اجرت کار بوده و این گزارش اثری عمیق بخشید زیرا در آن موقع آشکار ساخت که نظرها چقدر متفاوت است و همچنین نشان داد که اظهار نظر درباره وضع و مقام نسوان در حیات اجتماعی و اعطای حق تساوی در کشورهای مختلف

مفاهیم متعدد ومختلف دارد که اینک آیا باید بهما وسائل ارتباطی وتربیتی ومعاشرتی آراء ونظرهای متباین را بهم نزدیک نمود تا بتوان از لحاظ بین المللی زمینه توافقی بدست آورد. در ۳۰ سپتامبر ۱۹۲۷ مجمع عمومی جامعه ملل تصمیم گرفت مجموعه حاوی اطلاعات دقیقه درباره وضع زنان در کشورهای مختلفه عالم براساس قوانین جاریه در کشورها وطرز اجرای آن تهیه وطبع ونشر نماید وتدوین این مجموعه قرار شد بعهده مؤسسات علمی اختصاص محول شود. ویک کمیته کوچکی نیز مرکب از متخصصین از طرف شورای جامعه ملل برای تعیین حدود این تحقیقات واداره وتصویب نشریات مامور شد ومؤسسه بین المللی "توحید حقوق فردی" که مرکزان در روم بود تدوین قسمت حقوق فردی ومؤسسه حقوق بین المللی پاریس تدوین قسمت حقوق عمومی ودفتر بین المللی توحید حقوق جنائی نیز تدوین قسمت حقوق جنائی را بعهده گرفته وشروع بکار کردند وحتی قسمت مربوط بحقوق فردی نیز خاتمه یافته بود که جنگ بین المللی دوم آغاز شد واساس جامعه ملل ومشروعات ومؤسسات ونوایای آنرا درهم ریخت ومدت شش سال دوره جنگ بکلی این مسائل متروک ماند ودنیا بمیدان قتال وجنگ وجدال تبدیل یافته تمام هم دول وملل بآن سوی معطوف گردید.

+++++++

مسابقه

چگونه وبچه وسیله بهتر میتوان از فصل وطلاق جلوگیری کرد؟

نظر باینکه تاکنون راجع باین موضوع مقالات مفیده ای واصل نشده از نقطه نظر اهمیت موضوع مدت مسابقه تا پایان اسفندماه ۲۹ تمدید میشود به نویسنده بهترین مقاله در این باره طبق تشخیص لجنه ملی ترقی نسوان یکسال مجله ترانه امید رایگان داده خواهد شد.

++++++

اعلان

از لجنه های محلیه ترقی نسوان مراکز قسمت های امریه متمنی است:

اولاً ـ وجوه اشتراک سال ۱۰۷ مجله ترانه امید راهرچه زودتر باین لجنه ارسال فرمایند.

ثانیاً ـ برای سال ۱۰۸ هرچند شماره مجله لازم است بفوریت باطلاع لجنه برسانند تا برطبق تقاضاهای واصله اقدام بتکثیر ونشر مجله شود.

اعلان

اخیراً کتابی بنام "روح انسانی" در اثبات وجود روح حاوی فصول ذیل:

فصل اول ـ معقولات ومحسوسات

فصل دوم ـ نقص میزان حس

فصل سوم ـ مجردات ومتحیزات

فصل چهارم ـ تعریف وتقسیم ارواح: روح جمادی روح نباتی ـ روح حیوانی ـ روح انسانی.

فصل پنجم ـ دلائل وجود روح انسانی: قسمت اول دلائل عقلی مشتمل بر هیفده دلیل ـ قسمت دوم دلائل حسی.

فصل ششم ـ چند نکته روحانی راجع بروح انسانی حاوی هفت نکته.

بقلم دانشمند محترم جناب علی اکبر فروتن علیه بهاءالله که خوانندگان عزیز با شیوه نگارش مستغنی از وصف وبیان ایشان آشنائی کامل داشته ودارند باجازه وتصویب لجنه ملی نشریات امری ووزارت فرهنگ با حروف سربی در ۳۵ صفحه بزرگ چاپ گردیده است.

لجنه ملی ترقی نسوان قرائت واستفاده ازاین کتاب نفیس را بعموم قارئین محترم علی الخصوص حضرات اماءالرحمن توصیه مینماید.

لجنه ملی ترقی نسوان بهائیان ایران